



چرا با نمازی که می‌خوانیم، رشد معنوی پیدا نمی‌کنیم

آیت‌الله مهندسی استاد فقید عرفان اسلامی معتقد بود: اگر کسی از دید حداکثری و با هدف کشف حجاب‌ها و رفع موانع به عبادت بنگرد، عاشق آن می‌شود. چون انسان فطرتاً دوست دارد به کمال مطلق نزدیک شده و از اسارت قیود رها شود.

اسرار نماز در بیان استاد فقید محمد مهدی مهندسی

چرا با نمازی که می‌خوانیم، رشد معنوی پیدا نمی‌کنیم

آیت‌الله مهندسی استاد فقید عرفان اسلامی معتقد بود: اگر کسی از دید حداکثری و با هدف کشف حجاب‌ها و رفع موانع به عبادت بنگرد، عاشق آن می‌شود. چون انسان فطرتاً دوست دارد به کمال مطلق نزدیک شده و از اسارت قیود رها شود.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، نماز به عنوان ستون دین و معراج مؤمن، یکی از مهمترین و اساسی‌ترین دستورالعمل انسان‌سازی و سیر و سلوک معنوی است به طوری که برخی از بزرگان فرموده‌اند اگر نماز انسان اصلاح شود، همه امور انسان اصلاح می‌شود.

این نماز علاوه بر احکام فقهی و ظاهری، آداب و اسراری دارد که آشنایی با آنها انسان را بیشتر با حقیقت نماز پیوند می‌دهد و قلبش را بهتر به سوی نماز سوق می‌دهد.

به همین منظور، گروه آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، سلسله مباحث اسرار نماز را که توسط استاد فقید عرفان اسلامی، آیت‌الله محمد مهدی مهندسی مطرح شده و به وسیله یکی از شاگردانش گردآوری شده است، تقدیم خوانندگان گرامی خود می‌کند.

آیت‌الله مهندسی از اساتید برجسته اخلاق، حکمت و عرفان حوزه علمیه قم و عضو هیات مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی در سال 1332 در آباده به دنیا آمد. وی پس از ورود به حوزه علمیه قم از محضر اساتیدی همچون حضرات آیات انصاری شیرازی، حسن‌زاده آملی و میرزا جواد تبریزی استفاده کرد. این استاد حوزه و دانشگاه با اینکه از اساتید سطح عالی حوزه بود به دورترین نقاط کشور برای تبلیغ می‌رفت و از مبلغان نمونه حوزه علمیه قم بود. وی بر اثر عارضه قلبی چند روز در بیمارستان بستری شد و بعد از ظهر 27 تیرماه 1390 دعوت حق را لبیک گفت و در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دفن شد.

پیش از این و در نخستین سالگرد ارتحال استاد مهندسی، ابعاد علمی، اخلاقی و تبلیغی وی در خبرگزاری فارس بررسی شد که علاقه‌مندان برای دسترسی به مشروح آن می‌توانند از اینجا (+، + و +) اقدام کنند.

عبادات، اسرار و حقایقی دارند

بسم الله الرحمن الرحيم و صلی الله علی محمد و آل محمد

عبادات ما همه دارای حقایقی است، دارای اسرار و گنجینه‌هایی است که انسان عابد، باید تلاش کند به آن اسرار و گنجینه‌ها راه پیدا کند.

هدف از انجام عبادات این نیست که صرفاً جنبه ظاهری و فیزیکی آنها مراعات شود بلکه آنچه که مهم است این است که این اعمال و این رفتار و این مناسک، راهی را برای انسان عابد باز کند که در حقیقت به محتوا و درون و باطن این اعمال راه پیدا کند.

عبادت‌ها که نوعی از تجلی بندگی حق است راه و صراط است. 171#&؛ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ خداوند متعال فرمود: مرا عبادت کنید که صراط مستقیم، عبادت من هست. این عبادت، راه است.

این عبادت، این رفتن به سوی حق و طیّ این طریق - به طور قطع و مسلم - اگر درست انجام بگیرد، اگر صحیح انجام بگیرد، انسان به آن مسائلی که به عنوان سرّ عبادت مطرح است خواهد رسید.

عبادات عموماً دارای احکامی است که الزاماً باید رعایت شوند. علاوه بر آن احکام، دارای آدابی است که آن آداب در بالا بردن کیفیت عبادت نقش مؤثری دارد و علاوه بر آن آداب، دارای اسراری است که از طریق این عملی که انجام می‌گیرد انسان به آن حقیقت و به آن سرّ، می‌تواند راه پیدا کند.

به بیان دیگر آن عبادت‌هایی که انجام می‌دهیم در حقیقت نمادهایی است، قالب‌هایی است که این قالب‌ها هر کدام به حقایقی اشاره می‌کند.

ببینید اگر بخواهیم مثال بزنیم مثل اینکه یک سازمان، یک تشکیلات، یک وزارتخانه می‌آید برای خودش یک آرمی را طراحی می‌کند، بعد به طراح آن آرم وقتی که گفته می‌شود که این طرح را توضیح بده، آن طراح توضیح می‌دهد و می‌گوید مقصودم از این خط، این است، مقصودم از آن نقطه آن است، اینجا چرا خط مستقیم کشیدم، آنجا چرا خط منحنی کشیدم، آنجا چرا چنین کردم، این قسمت چرا چنان کردم. یعنی تمام مسائلی که در ذهنیت آن طراح است در یک قالب، طراحی می‌کند و چه بسا یک جزوه در کنار آن آرم قرار می‌دهد که این آرم در حقیقت می‌خواهد در ارتباط با آن مسائل صحبت کند.

عبادات ما نوعاً همینطور است. احکامی دارد، آدابی دارد و اسراری دارد. خداوند متعال به وسیله شریعت، همه آنها را در یک عبادتی مثل نماز، قرار داده است.

این حرکت‌های نمادین، در واقع می‌خواهد دستان را بگیرد و به فراسوی آن چیزی که در این بخش رفتاری داریم انجام می‌دهیم هدایت کند.

گرچه برای رعایت حال همه مردم در همه مکان‌ها و زمان‌ها، به حداقل عبادت اکتفا کرده‌اند، یعنی برای انجام همین اعمال ظاهری، آثار مترتب است اما سخن در این نیست که این اعمال اثر دارد یا نه، سخن در این است که این اعمال در واقع و در درونش گنجینه‌های فراوانی نهفته است و باید آنها را یافت.

عبادات و بندگی خدا راه رسیدن به هدف خلقت است

بندگی خدای متعال وسیله است برای رسیدن به آن گنجینه‌ها. اگر خداوند متعال فرمود: **و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ** من جن و انس را نیافریدم مگر این که مرا عبادت کنند، در آیه دیگر از قرآن کریم فرمود: **و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**؛ و در آیه دیگر قرآن کریم توضیح داد که این صراط انسان را به کجا می‌رساند. فرمود: **و اعبد ربّك حتى يأتيك اليقين** عبادت کن تا به معرفت برسی، عبادت کن تا به یقین برسی.

یقین یعنی چه؟ یعنی اینکه موانع را از سر راهت، از دیده قلبت بردارد تا بتوانی آن طوری که متن حقیقت است شهود کنی و تحقق به متن واقع و حقیقت پیدا کنی. البته یقین مراتب دارد - علم الیقین، عین الیقین، حق الیقین و حتی برد الیقین - که در جای خود بحث می‌شود.

یقین در مراحل نهایی، یعنی تحقق به کمال حقیقی انسان. یعنی اینکه به هدف خلقتت برسی.

در نماز، بحث همین است. در روزه، همین است. در حج، همین است. وقتی فردی برای حج می‌رود، در مراسم حج به او می‌گویند لباس احرام بپوش، لباس دوخته را بیرون بیاور اینها همه اسراری دارد که انسان را به سوی حقیقتش می‌برد.

در بیانی امام سجاد علیه‌السلام در فلسفه حج، به یکی از یارانش می‌فرماید: آیا وقتی که مُحَرَّم شدی این کار را کردی؟ آیا وقتی طواف کردی فلان نیت را داشتی؟ آیا وقتی سعی صفا و مروه می‌کردی فلان نیت را کردی؟ حضرت، تک تک اعمال حج را سوال می‌پرسد و می‌فرماید آیا آن طوری که من می‌گویم نیت کردی یا نه؟ عرض کرد: نه من فقط این اعمال ظاهری را انجام دادم.

حضرت فرمود: پس طواف نکردی، سعی نکردی، نماز نخواندی، حج نکردی!

ببینید! یعنی روح این عمل ظاهری و این طواف و حج، آن حقایق است. اگر ما به آن حقایق، توجه کردیم، اگر به آن معارف توجه کردیم، آنچه را که انجام دادیم در مدار مقبولیت و در مدار ارزش برتر قرار می‌گیرد ولی اگر به آن مسائل توجه نکردیم قطعاً ارزشش

پایین خواهد بود.

عبادات، ما را به هدف برتر می‌رساند

پس این عبادات برای این است که ما را در یک حوزه معارف برتر قرار دهد، بالاتر ببرد. این عبادات یک راه راستی است، یک مسیری است که تو را می‌تواند به آن هدف اعلی و برتر راهنمایی کند.

مهم این است که ما این‌ها را دقیقاً درک کنیم، به این‌ها توجه کنیم، بعد دریافت کنیم که اگر در نماز، بحث طهارت را داریم، اگر اذان، قیام، رکوع، سجود داریم، اینها در حقیقت، ارشاد به چه حقایقی است.

به عبارت دیگر چه حقایق بلندی است که تنزل پیدا کرده و تمثیل پیدا کرده به یک سری اعمال این چینی که اسمش نماز است.

و به عبارت دیگر، باطن این مسئله چیست که ظاهرش عبارت از این است که رکوع کنیم، سجده کنیم، به سمت قبله باشیم. با طهارت باشیم و ... یا مثلاً چه پیامی در دل این وضو و اعمال آن، نهفته است.

اگر به من می‌گویند اذان بگو، اگر به من می‌گویند اقامه بگو، اگر به من می‌گویند در ورودت به نماز تکبیر بگو، و جزء جزء آنچه که در نماز هست انجام بده، برای چیست؟ ارشاد به چیست؟

این مسئله را به عنوان مقدمه اشاره کردم تا توجه داشته باشیم که عبادات ما اسرار دارد، میزان تأثیر و میزان فضیلت برتر این عبادات، به میزان درک معارف نهفته شده در درون آنها بر می‌گردد.

چرا با نمازی که می‌خوانیم رشد معنوی پیدا نمی‌کنیم؟

به عنوان درد دل عرض می‌کنم که علی‌رغم اینکه ما در شرع مقدس اسلام، زیباترین راهکارهای رشد را داریم، عالی‌ترین مدارج ترقی و تعالی را داریم - الصلاة معراج المؤمن، الصلاة قربان کل تقی، الصلاة عمود الدین - خب اگر واقعاً نماز، معراج است، آیا واقعاً در سایه نمازی که می‌خوانیم این معراج برای ما حاصل می‌شود؟ اگر نمی‌شود یا باید بگوییم نماز، معراج نیست، یا اگر نماز معراج است، پس آنچه که ما انجام می‌دهیم نماز نیست.

نماز واقعی انسان را از گناهان نکه می‌دارد. «إن الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر» اگر نکه ندارد آیا نماز ما واقعی است؟

نماز حقیقی، انسان را به مدار حقیقت مطلق می‌برد. همین دو رکعت نماز، انسان را از ابعاد دست و پا گیر جنبه‌های طبیعی و مادی و حتی فراتر از ماده، آزاد می‌کند. نماز در حقیقت برای گشودن بندهایی است که دست و پای فطرت ما را بسته است. نماز، قدرت پرواز به انسان می‌دهد. معراج معنایش این است. قدرت رشد و ترقی و تعالی و بالا رفتن را به انسان می‌دهد.

خب این در چه صورتی است؟ در صورتی که ما فقط وضوی ظاهری بگیریم و دو رکعت نماز خشک و ظاهری بخوانیم؟ همان کاری که نوع ما داریم انجام می‌دهیم، این که معراج نمی‌شود. این که «تنهى عن الفحشاء والمنکر» نیست.

در عبادات، نگاه حداکثری داشته باشیم

در عبادات، نباید نگاه حداقلی داشته باشیم. باید منظر ما در عبادات نگاه حداکثری باشد. یعنی باید ما برویم ببینیم برترین‌ها و بالاترین‌ها چیست؟ جامعه ما عموماً و جامعه فرهنگی ما، دانشگاهی ما خصوصاً باید نگاهشان به عبادت، یک نگاه آشنایی با فلسفه‌های عبادات باشد.

آشنایی با ارشاد این ظواهر به بواطن باشد که این ظواهر به کدامین باطن دارد اشاره می‌کند. خدای متعال از نماز ما چه می‌خواهد؟ یعنی فرهنگ نماز در معماری مکتب اسلامی چه جایگاهی دارد و در واقع می‌خواهد چکار کند؟ این خیلی مهم است که ما از این زاویه به عبادات نگاه کنیم.

حالا این دو رکعت نماز چه توانمندی دارد و چه قدرتی دارد که ما را به حق نزدیک می‌کند. چگونه این نماز توانمند است که وجود ما، قلب و دل ما را آئینه تجلیات اسباب و صفات الهی می‌کند.

معنای قرب این است که انسان صفحه دلش و آئینه قلبش محل تجلی اسماء جمال و جلال خداوند باشد، جلوه‌گاه زیبایی هستی باشد، چطور می‌تواند دو رکعت نماز، این قدر توانمند باشد که انسان را جلوه‌گاه زیبایی‌های هستی بکند، او را جلوه‌گاه کمال مطلق بکند و این شخص نمازگزار، جمال حق را در وجود خودش شهود کند.

کار عبادات ما این است، کار نماز ما، روزه ما، حج ما، کار همه عبادت‌های ما این است که انسان را به حقیقت نزدیک کند. همه این‌ها برای رشد و تعالی است، همه این‌ها برای کشف حُجُب و رفع موانع از سر راه دیده فطرت است تا دیده فطرت و دیده جان بتواند باز شود و جانان را ببیند.

انسان ذاتاً خواهان کمال است و از نقص، بدش می‌آید

فکر نمی‌کنم اگر کسی واقعا از این زاویه به عبادات نگاه کند عاشق عبادات نشود، چون هر کسی به حکم فطرت دوست دارد به اطلاق، نزدیک شود، از اسارت قیود رها شود. هر کسی دوست دارد به حکم فطرت از بند محدودیت خارج شود و به فضای بی‌نهایت برود. همه این را دوست دارند.

به حکم فطرت هر انسانی عاشق کمال است و از نقص، بدش می‌آید، به گونه‌ای که اگر کمالی را که ندارد به انسان بدهی خوشش می‌آید. اگر نقصی بهش وارد کنی بدش می‌آید چرا؟ چون ذائقه فطرت انسان، روی کمال خواهی تنظیم شده است. از نقایص متنفر است. نه تنها اصل کمال، بلکه خواهان کمال مطلق است. یعنی اطلاق گرا هم هست، مطلق را می‌خواهد. دوست ندارد به محدودیت‌ها وابسته باشد، قانع به محدودیتش نیست. قانع به مرزبندی در آن مطلوب و خواسته نیست. از درون یک مطلوب نامحدود را می‌خواهد. خب عبادات، تمام تأمین کننده این خواسته است.

عبادات، تمام مسیری است برای اینکه ما را به آنجاها سوق دهد و جهت دهد.

نباید عبادات را محدود، تعریف کنیم و منحصر در ظواهر کنیم

خب از این زاویه اگر ما عبادات را نگاه بکنیم کدام انسان عاقل منصفی است که واقعا دوست نداشته باشد که در این فضا قرار بگیرد. متأسفانه یک مقدار، معرفی عبادات ما محدود بوده، فقط در ظواهر، در حد انجام تکالیف ظاهری آشنایی پیدا کردیم و به همین مقدار بسنده کردیم، آن آثار و آن تعالی و ترقی که باید در این نماز احساس شود، در این عبادات، احساس شود کمتر وجود دارد یا اصلاً وجود ندارد.

در عین اینکه اعمال و عبادات را متعبدانه انجام دادن، بسیار زیبا و قشنگ است و باید متعبدانه این عبادات را انجام داد، باید نگاه معرفت‌گیر نسبت به این عبادات هم داشته باشیم. ما می‌خواهیم معرفت بگیریم. ما می‌خواهیم از این نماز، معارف را پیدا کنیم، ما دنبال این گنجینه‌ها هستیم، منافات با تعبد ندارد. در عین حال که ما واقعا به عنوان یک بنده خالص داریم عمل می‌کنیم، این خواص و این فواید در نماز نهفته است.

باید معراج را از این نماز به دست آوریم، باید لقاء الله را در این عبادات دنبال کنیم.